



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۲/۰۳

داکتر صلاح الدین سعیدی

دین اسلام و دیموکراسی

عده از افکار اسلامی و از جمله در حاکمیت طالبان عملاً به این باور آند که قدرت سیاسی در افغانستان و عملاً مردم و کشور و مافیهای آنرا، یک غنیمت جنگی بوده و به آن عملاً به روش ملکیت و غنیمت جنگی صورت میگیرد و به این ترتیب در ۱۶ اگست ۲۰۱۲ به تصرف ایشان درآمده است! به این ترتیب در عمل چنین است که همه باید به همان قاعده، روشها و اصولی رفتار کنند که عده ازین تمامیت خواهان و مفتی های ایشان خط میکشند و تعیین میکنند!

اولتر از همه باید روشن کرد که: منابع و مرجع که در اسلام از آن منبع و دستاویز میگیرند، دو آند: اول: قرآن کریم، دوم: سنت رسول الله (ص).

منبع و مرجع سوم اجماع (کنسنسوس) علمای اسلام، در مطابقت به دو اصل اولی. مرجع و منبع چارم قیاس (انالوگی) میباشد! قیاس و انالوگی به صورت قیاسی در مورد آن مسایل فتوا صادر میکنند، که زمان آنرا بوجود و جوامع بشری به آن دست یافته آند. اگر برای رفتن به حج راحله آن زمان شتر بود و حال طیاره است، برماست تا از راحله طیاره استفاده کرد. با هم چسپیدن به شتر کار خطاء است. اگر الیکن (چراغ تیلی ابتدایی) سمبول روشنی و علم بود و ما امروز هم به الیکن چسپیده باشیم و به هر مناسبت بلندش کرده و « باچا خانی را درین و یا در عدم تشدد در برابر جبار، پنجابی غیبی متمدن (شعار و رهکار عمل قرار دهیم، خطاء کرده ایم. قیاساً از راهها و وسایل استفاده کردن، درست است که بشریت به آن دسترس یافته است!

در مسایل عقیده و ایمان منبع واحد، نقلی و روشن است. پدر و مادر قابل احترام و خدمت آند که اگر هزار سال بگذرد و یک سال. مراجعه به قیاس و انالوگی باز هم زمانی درست است که در مطابقت به منبع اول (قرآن کریم) و دوم (سنت رسول الله)، باشد و در تناقض قرار نه گیرد!

در صحت و تواتر قرآن کریم که از **همان اول بر علاوه نوشته بودن و در سینه حفاظ** بودند، در نسل اول اسلام در وقت خلیفه چهارم اسلام به صورت مجلد، توسط کاتبان وحی، حفاظ اولی در چهار **نسخه تنظیم** و به چهار جانب حاکمیت اسلام ارسال شد. (یک نسخه آن در تاشکند و کاپی از آن برای پدر بزرگوارم مولانا دوکتور محمد سعید سعید افغانی نیز هدیه داده شده بود که در آن مراسم من هم حضور داشتم!)، شک و تردید نیست و شک کننده بر صحت قرآن باوجود فهم ازین حکم، انسان را کافر و غیر مسلمان میسازد. درین جاء مسلمان دقیق و بدون دغدغه است! اما حدیث از لحاظ قوت و ضعف راوی به **پنج نوع تقسیم میشوند و نوع شش احادیث!؟ موضوعی آند.** کتب معتبر که معتبرترین شان به نام صحاح سته (صحاح شش گانه) میباشد، به صورت مراجع مهم کتب احادیث به شمار میروند!

درمورد اینکه به سنت و حدیث اعتقاد و عمل مسلمان روشن است، اختلاف مسلمان، در مورد این است که، آنچه به آن استناد میشود، حدیث و سند حدیثی است و یا خیر؟

اگر دیموکراسی به نام حاکمیت مردم، برای مردم و در توافق به ارزشهای مردم و به حاکمیت به صورت مشروع متداول رسیده باشند که باید ارزشهای که ارزش مردم باشند و ارزش مردم ما ارزش مسلمان و در چوکات اسلام میباشد، دیموکراسی به این مفهوم و درین چوکات بدون شک درست کلمه و روش درست حکومتداری هم هست، در مطابقت کامل به اسلام میباشد!

لذا بدون تأکید بر اسلامی و غیر اسلامی احکام و قوانین اسلام به صورت طبعی توسط ملت مسلمان افغان انتخاب و درین مذاهب مختلف، در بخش معاملات، همان روی کار و انتخاب میشود و چیزی دیگری برای مسلمان نباید

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

انتخاب گردد. در حدیث پیامبر اسلام میفرمایند که: ید الله مع الجماعة. حدیث. دست و مساعدت الله ج با مجموعه (کلکتیف و مجموعه جامعه اسلامی است!

در حدیث پیامبر اسلام که: امت من به امر ناروا اجماع نمی کند گ، نیز تأکید شده است! خوب اگر ارزش مسلمان روشن است که در چوکات اسلام است و انتخاب مسلمان هم در همین چوکات خواهد بود هست! لذا به این فهم مسلماً دیموکراسی با اسلام نه تنها که در تناقض نیست، بلکه به آن موافق بوده و مردمداری تعریف شده در توافق کامل اسلام است!

سخن مرکزی نوشتن این بحث و نوشته در این است که عده از افراطیون در دین و از جمله در بین **حاکمیت دیفکتوی** طالبان در افغانستان با دیموکراسی و حاکمیت مردم و انتخابات باور ندارند و علت آنرا اکثر انتخابات ریاست جمهوری میدانند که در آن سفارت و جان گیری تصمیم گرفتند!

لذا عملاً خود کامه، **تمامیت خواهد و به روش** اندکه: حق با کسی است، که غالب شد! دیگران را منتفی میدارند! به ظاهر به این دلیل هم خود را عقل و مالک کل دانسته و سایر احزاب و سازمان های سیاسی گذشته، را منتفی و لغوه کردند، کاریکه حزب کمونسنت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کرد و هفتاد سال بعد فهمید، که چنین نمی شود، حاکمیت کرد!

حال که بالا را گفتیم، این را نیز باید روشن نوشت، که دیموکراسی، آزادی و اقتصاد بازار آزاد که بشریت همین را در دست دارد، کمی ها و کاستی های خود را دارند و اگر به قوانین خوب مهار ساخته نه شوند، لجام گسیخته، وحشی و مردود است!

دیموکراسی و آزادی و افکار، قوت سیکولاریستی (سیکولاریزم در تضاد با اسلام است!)، استناد میکنند! مسلم که دین اسلام دین سیکولار نیست!

ما اسلام را دین سیکولار نمی دانیم و دیموکراسی منبعث از اراده ملت مسلمان را در چوکات اسلام نیز میدانیم! و اما اینکه ملت حق ندارند همه کاره و انتخاب امام و ملا است و ملت نه توان تفکیک و نه توان انتخاب داشته باشند، در خلاف احکام و هدایات اسلامی، سپردن امور به غیر اهل و غیر امانت داری است! ملا در امور دینی آمین و در بقیه مسایل متخصص هر فن آمین پنداشته میشود و هست! خوشا به حال آن حاکمیکه ملا و مفتی، متخصص فن و حاکمیت اش از ملت منبعث و مشروع شده باشد و این ممکن و ضروری هم اس! ملاشاهی مردود است و جامعه را به مشکل مواجه میسازد!

اینکه ملا را عقل کل دانست، و این انتخاب و انتخابات باید در بین ملا و عالم باشد و نه عوام الناس، عدم دقت در فهم مسأله است! ملا و طالب اگر نماینده ملت انتخاب خود، بس عالی انتخاب است!

غلط فہمی زمانی آغاز میشود که بدون مشروعیت متداول به اصل ملا بودن حاکمیت را مشروع بخوانند! این در خلاف فهم درست از اسلام است! باید گفت که بعد از وفات پیامبر اسلام محمد (ص) در انتخاب خلیفه اول اسلام با در نظر داشت سطح انکشاف آنوقت جامعه مسلمانان، بدون تفکیک ملا و غیر ملا در سقیفه بنی ساعده، جمع شدند و بر حضرت ابوبکر صدیق، اتفاق کردند و در آن، رابطه خونی و قومی اساس نبود، بلکه کاذبانه ها و قربانی های فزیکتی و مالی آنحضرت اساس قرار گرفت!

وظیفه امیر و خلیفه مسلمانان به مرور زمان کار امیر اسلامی منحصراً رهبر دینی، قضایی، سیاسی و جنگی تقسیم شد و جوامع بشری انکشاف یافت و دیگر امیر هم قاضی و هم موعظ دینی و هم امام و ... نبود و در هر بخش مسئولین انتخاب گردید!

از جانب دیگر و اصل علت این نوشته هم است که اگر هر مقتدی در نماز میتواند به جهر؟!؟! بلی به جهر میتواند وحق دارد به امام **علامت فتحه** بدهد و اظهار کند و در موارد مشخص مستقیم تصحیح کند که آیه را خطاء و در نماز اشتباه کرده، چگونه نمی تواند، ملت و رعیت و شهروند در سرنوشت کشور و جامعه خود با استعمال صدا ویلند کردن آواز خود در انتخاب امیر و سرکرده خود و بعد تصحیح امور حق رأی و نظر نداشته باشد؟! مسلم که میتواند و ازین دست آورد بشری باید و باید و به صورت نیک و با تنظیم قوانین استفاده کرد.

و امر هم شورا بین هم. **سوره شوری/۳۸** (تأکید در مورد مشاورت و کار مسلمانان در بین شان) و حدیث پیامبر اسلام محمد ص: «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق» (د امر ناروا اطاعت از مخلوق نیست که شامل عدم اطاعت از حاکم متخلف از امر الهی نیز میشود.)
صدق الله العزيز الحكيم و صدق رسوله نبي الكريم.

داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۰۲۴/۱/۵

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸